

شایستگی، وارستگی، بایستگی (گذری بر حیات پدر)  
سیده قدسیه "فیروزه" حافظیان (شاعر و پژوهشگر)  
کتاب حافظ اسرار، صص ۲۲-۱۵

عارف بزرگوار سید ابوالحسن حافظیان (ره) در سال ۱۳۲۲ هـ.ق. در مشهد مقدس قدم مبارک به عرصه‌ی وجود نهاد. پدر بزرگوارش حاج سید میرزا آقا و مادر با کرامتش بی‌بی معصومه خاتون هر دو از انسان‌های پرجزیه و ارج زمان خود بودند. پدرش به ریاضت و اعمال (ریاضتی) مشغول بود. او از دیدن بعضی اعمال پدر شوق و علاقه‌ی زیادی از خود نشان می‌داد. پدر که متوجه‌ی علاقه‌ی او گردیده بود؛ سید ابوالحسن را به عارف کامل آقای شیخ حسنعلی اصفهانی (نخودکی) (ره) که در آن وقت در مشهد اقامت داشتند؛ معرفی کرد تا در محضر وی حاضر شود و نزد آن استاد فرزانه به تعلیم بپردازد. مرحوم حاج شیخ حسنعلی اصفهانی (نخودکی) (ره) هم او را به شاگردی خود در ریاضات، قبول فرمود و تحت تعلیم و تربیت قرار داد. حافظیان (ره) روزها در مدرسه‌ی میرزا جعفر تحصیل می‌کرد و شب‌ها در حجره‌ی فوقانی صحن عتیق جنب ایوان عباسی مقابل «بقعه مطهره» به عبادت و ریاضات مشغول می‌شد. او بزودی در اثر استعداد سرشار، نزد استادش مرحوم آقا شیخ حسنعلی نخودکی (ره) بسیار مقرب گردید و گوی سبقت را از دیگران ربود. استاد در مکتب و مجلس درسش نور و صفای وارستگی و آزادی را در سیمای سید ابوالحسن دقت می‌کرد و به هوش و ذکاوت او اقرار می‌نمود. نبوغ سید ابوالحسن حافظیان (ره) در نوجوانی به ظهوری کرامت‌گونه رسید و بارقه‌ی عرفان در او تجلی یافت. مقدمات، صرف و نحو، ریاضی، طب، نجوم، هیأت، فقه و اخلاق از علوم می‌هستند که این بزرگ مرد علم و عرفان و اخلاق نزد اساتید فرا گرفت و در هر یک از آنها به کمالی شایسته و بایسته نایل آمد. او در این ایام همیشه مترصد بود تا از محضر اساتید دیگر هم مستفید گردد. او از مرتاضان و عارفانی که برای زیارت از شهرهای ایران و کشورهای دیگر به مشهد مقدس مشرف می‌شدند نیز بهره‌مند می‌گردید.

#### اساتید

علاوه بر عارف بزرگوار حاج شیخ حسنعلی نخودکی (ره) دو استاد بزرگ عصر، علامه سید موسی زرآبادی و استاد حاج سید مظهر حسین هندی در اکمال توانایی‌های معنوی استاد حافظیان (ره) تأثیر به‌سزائی داشتند. او به واسطه عملیات روحانی و به جهت حسن خلق موروثی و خدادادی در میان افراد عام و خاص شهر مشهد مقدس شهرت و محبوبیتی فوق‌العاده یافت و تا پایان عمر از محرمان و مشاوران و مشکل‌گشایان مردم گرفتار، نگران و مضطر و ناامید و بیمار به‌شمار می‌رفت و مردم چه خاص چه عام از علوم روحانی و ادعیه‌ی بهره‌ها می‌گرفتند.

## شخصیت حافظیان (ره) در هندوستان و پاکستان:

سید ابوالحسن حافظیان رضوی (ره) پس از یک بیماری طولانی ذات‌الریه در اوایل جوانی و معجزه شفا یافتن او توسط جد بزرگوارش حضرت امام رضا (ع) که خود شرح جداگانه‌ای می‌طلبد و باید در جای خود از آن سخن گفت. اطباء به ایشان تجویز کردند که در زمستان باید به گرمسیر برود. به همین جهت در سال ۱۳۵۱ هـ. ق. به سرزمین هندوستان سفر کرد و بار اول مدت ۱۰ سال و شش ماه در آنجا اقامت گزید. سید ابوالحسن حافظیان (ره) در حدود نیم قرن در هند و پاکستان، زندگی کرد و در تمام مدت اقامت خود با رجال و دانشمندان و سران کشوری و لشکری آن سرزمین‌ها در ارتباط بود، به خصوص که پس از استقلال پاکستان یکی از شخصیت‌های علمی و متنفذ این کشور به حساب می‌آمد. او با حفظ ملیت ایرانی خود خدمات زیادی به هموعان به‌خصوص ایرانیان می‌کرد. ایشان صدر انجمن ایرانیان در پاکستان محسوب می‌شد و در حل مشکلات آنان بسیار همت می‌گماشت. او مریدان و علاقه‌مندان بسیاری در میان رجال، دانشمندان و دانشگاهیان و به‌ویژه مردم دیگر داشت و مردمان آن سرزمین پهناور اکثراً به او عشق می‌ورزیدند و از او یاری‌های معنوی می‌جستند و نتیجه هم می‌گرفتند. خانه‌ی حافظیان مرکز رفت و آمد خاص و عام بود و او با فروتنی همه را با سعه‌ی صدر می‌پذیرفت و گره از مشکلشان می‌گشود. (استاد علی حکیمی در فصلنامه‌ی بینات می‌نویسد: حافظیان (ره) با علامه اقبال پاکستانی دوستی و آشنائی داشتند و جریان‌هایی را از ایشان نقل می‌کردند. آقا سال‌های آخر عمرشان به فکر افتادند که شرح حالی برای علامه اقبال بنویسند حتی صفحاتی نیز از این شرح حال نوشته شد که در آن علل گرایش اقبال به ایران و تشیع بررسی شده است و....

استاد علی حکیمی در ادامه می‌نویسد: موضوع دیگری که در محضر آقای حافظیان (ره) دیدم و در نظرم بسیار جالب آمد؛ عکس گاندی رهبر فقید ملت هند در مجلس سوگواری امام حسین (ع) در پای منبر یکی از وعظ شیعه بود که ایشان آن عکس را در مجموعه عکس‌هایی که داشتند نگهداری می‌کردند).

روزنامه معروف و پرتیراژ «دان» حدود ۵۰ سال پیش مطلب مفصلی در مورد لوح محفوظ به چاپ رسانید که علامه سید ابوالحسن حافظیان (ره) را با تیتراژ «دانشمند و ریاضیدان بزرگ» خطاب کرده بود. در آن روزگار عکس این عارف بزرگوار در اکثر کتاب‌فروشی‌های هند وجود داشت و خیلی از مردم هندو و مسلمان عکس او را در خانه خود داشتند.

## مسافرت حافظیان (ره) به هندوستان

علامه عطاردی در کتاب فرهنگ خراسان - بخش طوس نوشته‌اند: «... او پس از تحصیلات و فراگیری علوم متعارف و کسب فیوضات معنوی از محضر اساتید از جمله مرحوم نخودکی (ره) و سید موسی زرآبادی از ایران، عازم هندوستان شد و در آن کشور پهناور مقیم گردید او در هندوستان به محافل و مجالس اهل علم و

ادب و عرفان نزدیک شد و در اکثر شهرها و ولایات هندوستان به تحقیق و تفحص پرداخت و با طبقات گوناگون آشنا شد. حافظیان (ره) پس از مدتی اقامت در هند در ردیف یکی از یکی از شخصیت‌های بزرگ مسلمان در آن کشور درآمد و در همه شهرها و ولایات مشهور گردید. او سال‌ها در شهرهای شمالی هندوستان و کوهستان‌های کشمیر به ریاضت و کسب معرفت پرداخت و به تکمیل نفس مشغول شد». [۱]

### حافظیان (ره) در سیر و سلوک و سفر در هندوستان

آوازه‌ی او در همه جا بود و مردم از نفس گرم او بهره می‌بردند و شفا می‌یافتند. رجال مسلمان، دانشگاهیان و بازرگانان معتبر ایرانی و هندی و مهاراجه‌هایی که در ایالت‌های مختلف هند حکم می‌راندند از مریدان و دوستان او بودند. راه درست و کلام گیرا و روش اسلامی او هندوهای بسیاری را تحت‌تأثیر دین مبین اسلام قرار داد و مسلمان نمود.

او اطراف و اکناف هندوستان شهرها و ولایات گوناگون را سیاحت نمود و از گوشه و کنار هند دیدن کرد به شهرهای (هردوار) و (ریشی کیش) و (لچمن جولا) در کنار رود گنگ با مرتاضان بزرگ هند ملاقات کرد و گفتگو با آنان را آغاز نمود. گنگ رود مقدس هندوها می‌باشد او در (هردوار) مانند هندوها در آب رودخانه‌ی گنگ خود را شستشو داد و در بت‌خانه در حالی که پشت به بت‌ها و رو به طرف قبله ایستاده بود به نماز خواندن پرداخت و بعد از نماز با صدای بلند و لحن مخصوص قاریان، قرآن تلاوت کرد. مرتاضان زیادی قرائت او را با صوت روح‌پروری که داشت شنیدند. آنان معانی آیات را درک نمی‌کردند ولی بسیار تحت‌تأثیر آیات آسمانی با صوت خوش او قرار گرفتند.

حافظیان (ره) در ناحیه‌ی دکن هجده غار تاریخی را که در چهار هزار سال قبل بنا کرده‌اند دیدن کرد. این غارها متعلق به هندوها می‌باشد و هر کدام برای خود تاریخ و خصوصیتی دارند که شرح آن‌ها شنیدنی است. این استاد بزرگ با روح عرفانی و جستجوگر خود در هند، از کتابخانه‌ها، خانقاه‌ها و مقامات متبرکه مذاهب مختلف دیدن نمود و در جستجوی مرتاضان برآمد. استاد حافظیان (ره) در سراسر هندوستان عالمان صاحب کمال را پیدا کرد. در بیابان‌ها، کوه‌ها و جنگل‌های کشمیر و سرزمین پهن‌اور هند گردش نمود. او در کشمیر شروع به تصنیف «لوح محفوظ» نمود که به گفته‌ی صاحب‌نظران از عجایب بسیار شگفت‌انگیز علمی می‌باشد. سید ابوالحسن حافظیان (ره) با مرتاضان مناطق گوناگون هم‌سخن شد و از علوم و معارف آن‌ها اطلاع حاصل کرد و از تخصص و مهارتشان در علوم باطنی بهره‌مند گردید. او همه را با رفتار و بیان شیوای خود محظوظ می‌کرد و اسلام را در آن سرزمین رواج می‌داد. هندوهای بسیاری به اسلام گرویدند که شرح مفصل و فرصتی

طولانی می‌طلبید که کرامات و کمالات این سید بزرگوار را در سال‌های اقامت در شبه قاره‌ی هند به رشته تحریر بیاوریم.

## ازدواج و خانواده

سید ابوالحسن حافظیان (ره) در میان خانواده خود بسیار مهربان، پدر و همسری پر عطوفت و دارای رفتار و منش واقعی اسلامی بودند. امور زندگی داخلی ایشان، اداره و تربیت فرزندان، در تعهد بانوی ارجمند و با تدبیرشان قرار داشت. با این‌که آقا به واسطه ناراحتی تنفسی که داشتند و به تجویز پزشکان در زمستان و هوای سرد به سفر هند و پاکستان می‌رفتند؛ همسرشان با درایت فرزندان را به هنگام مسافرت‌های زمستانی پدر اداره می‌کردند و در رشد کمالات آنان می‌کوشیدند و آنان را به ثمر می‌رساندند. آقا گاه در جمع خانواده به خواهش فرزندان خاطراتی را می‌فرمودند و سخنانی ادا می‌کردند که یقیناً در کتاب زندگی پر بارشان خواهد آمد. علامه حافظیان (ره) بعد از سال‌های متمادی اقامت در هندوستان به توصیه دوستان و مریدان خود که ازدواج را به ایشان اصرار می‌ورزیدند با دختر شایسته‌ای از خاندان علم و تقوا پیوند زناشویی بستند. این عارف وارسته به علت مشغولیات علمی، عرفانی و تحقیقات در اندیشه این امر نبودند؛ ولی دوست نزدیک ایشان زاهد روحانی آقا شیخ حسین قزوینی (ره) که سال‌ها در راه علم و عمل کوشیده بود و در هند و نجف اشرف به آمد و رفت مشغول بود برای آقا سیده‌ای نجیب و تحصیل‌کرده فرزند «پروفسور میرزا علی نقی شریفی» را که از اساتید ایرانی [۲] دانشگاه بمبئی بود در نظر گرفتند و توصیه فرمودند که ازدواج با این دختر بسیار برآزنده با شؤونات آقا [۳] است. این دختر از نسل پیامبر اکرم (ص) و از نوادگان میر سید علی همدانی [۴] است که عارفی بزرگ در کشمیر بود و در هند به ترویج اسلام پرداخت و مریدان بسیاری دارد؛ آقا به این امر اراده فرمودند و در سال ۱۹۴۵ میلادی در بمبئی هندوستان با حضور جمعی از عرفا، دانشگاهیان و بازرگانان و مریدان که اکثراً ایرانی بودند؛ در فضائی کاملاً روحانی و عرفانی با دوشیزه سیده فاطمه سلطان شریفی پیوند زناشویی بستند و بعد از آن برای تکمیل «لوح محفوظ» از بمبئی به کشمیر رفتند که مدت‌ها پیش در کشمیر به تصنیف «لوح محفوظ»، این گنجینه‌ی بدیع علمی مشغول بودند؛ آن را به پایان رساندند و به بمبئی برگشتند و بعد از سالیانی با همسر خود عازم ایران شدند و به شهر زادگاه خود مشهد مقدس رفتند و در این شهر اقامت گزیدند.

## علامه حافظیان (ره) در پاکستان

«حافظیان پس از آزادی هندوستان و تأسیس کشور پاکستان به کراچی رفت و در این شهر مقیم گردید. او که ایرانی بود و شناسنامه‌ی ایرانی داشت ولی مسلمانان او را هندی و در اواخر پاکستانی تلقی می‌کردند. او در

تأسیس کشور مستقل پاکستان و همکاری با رجال مسلمان و شیعیان هند همکاری و تشریک مساعی می‌کرد. او با این‌که اهل عرفان و معنویّت بود و معنویّات را بر مادّیّات ترجیح می‌داد و مردم او را به این نمود می‌شناختند، در کراچی به شغل تجارت هم مشغول بود و زندگی خود را از راه کسب و کار و تجارت تأمین می‌کرد و هرگز از وجوهات شرعیّه و تبرّعات استفاده نمی‌نمود و ده‌ها هزار مسلمان از شیعه و سنی او را می‌شناختند و از نفس گرم او بهره‌های معنوی می‌بردند». [۵]

### آشنائی با حافظیان (ره)

محقّق اندیشمند، استاد عطاردی در کتاب فرهنگ خراسان می‌نویسد: «در سفر اوّل به شبه قاره‌ی هند و پاکستان با وی آشنا شدم و در منزل او در کراچی برای اولین بار او را ملاقات نمودم و از وی برای تحقیق و تتبّع و مطالعات اسلامی کمک خواستم و درخواست نمودم تا مرا با رجال علم و ادب و مدیران کتابخانه‌ها که اغلب از آشنایان و علاقه‌مندان او بودند؛ آشنا کرده؛ آنان را به من معرفی نماید. در ملاقات نخستین پیام مرحوم شیخ عبدالحسین امینی مؤلّف بزرگ کتاب الغدیر را به وی رسانیدم و گفتم حضرت آقای امینی (علاّمه امینی) به من فرمودند: در کراچی نزد آقای حافظیان (ره) بروید که: او کلید علم هند و پاکستان است و...». [۶]

### بنای مسجد در کشمیر

حافظیان (ره) در شهر سرینگر کشمیر برای شیعیان محلّه‌ی «گرو بازار» مسجدی ساخته است. این مسجد برای شیعیان آن محل بسیار مورد استفاده می‌باشد. در دامنه کوه «ترال» کشمیر کوه‌ها و آبادی‌های زیادی وجود دارد و مردمی که در آن منطقه زندگی می‌کنند، سمت قبله را به درستی تشخیص نمی‌دادند. علاّمه حافظیان (ره) در آنجا برج مربّعی ساختند و سنگی در آنجا نصب کردند و قبله را روی آن سنگ مشخص نمودند. در آن محل نوشته شده (در اینجا دو رکعت نماز بگزارید و حاجت خود را از خدا بخواهید) اکنون آن محل در میان شیعیان و اهل سنّت به نام (آستانه) معروف است. همه ساله در نیمه شعبان مردم در آنجا اجتماع می‌نمایند و حاجات خود را از خداوند طلب می‌کنند. یکی از کارهای سید ابوالحسن حافظیان (ره) تألیف و تصنیف لوح محفوظ است که آن را در کشمیر فراهم نمود که یکی از کارهای علمی شگفت‌انگیز می‌باش. از کارهای خوب و به‌جای او ساخت ضریحی برای روی مرقد مبارک حضرت رضا (ع) است که اکنون بر آن مرقد مطهر واقع است. [۷] او در شهرها و ولایات و کشورها دوستان فراوانی دارد که از او طلب دعا می‌کنند و او هم در حد توان خود در این مورد انجام وظیفه می‌نماید. [۸]

## مقام ابوالحسن مشهدی

حافظیان (ره) را در هندوستان ابوالحسن مشهدی می‌گفتند او قبل از این‌که به پاکستان مهاجرت کند به نام ابوالحسن مشهدی معروف بود. او در میان یکی از جنگل‌های کشمیر در دامنه کوه‌های سر به فلک کشیده و مستور از درختان انبوه جنگلی دور از هیاهوی این دنیا برای خود محلی انتخاب کرده بود و در آنجا به ریاضات مشغول بود. او در میان جنگل سکوئی برای خود ساخته بود. شب‌ها بوسیله نردبانی روی آن می‌رفت، نردبان را بالا می‌برد و در آنجا استراحت می‌کرد. در تاریکی شب در آن جنگل پهناور کشمیر با خدا راز و نیاز می‌نمود. حیوانات جنگل پیرامون آن سکو جمع می‌شدند و سر و صداهائی داشتند. هوا که روشن‌تر می‌شد جانوران پراکنده می‌شدند و می‌رفتند و او هم پائین می‌آمد و به اعمال و ریاضات الهی مشغول می‌گردید. ایشان لوح محفوظ که اثری بدیع و علمی می‌باشد را در همان محل تصنیف کرده است. علامه محمد رضا حکیمی در مورد لوح محفوظ نوشته‌اند: «لوح محفوظ یکی از عجایب بدیع و شگفت‌انگیز علمی است. اکنون آن محل در کشمیر به نام «مقام ابوالحسن مشهدی» معروف می‌باشد. مسلمانان و شیعیان کشمیر به این محل می‌آیند و یاد سید ابوالحسن مشهدی را گرامی می‌دارند. آن محل در کشمیر مورد احترام همگان است.

## لوح محفوظ

علامه عطاردی می‌نویسد: «عنوان فوق نام کتابی است که توسط حضرت آقای حافظیان (ره) تصنیف گردیده است. این کتاب بسیار فنی و پیچیده می‌باشد و برای خواص که به آن فنون آشنائی دارند قابل استفاده است، این کتاب همه‌اش با اعداد سر و کار دارد و به روش خاص و محاسباتی که انجام گرفته تألیف و منتشر شده است. مرحوم حافظیان (ره) در کتاب «لوح محفوظ» از آیات قرآن مجید و اسماء الحسنی استفاده کرد و آن‌ها را با یکدیگر ترکیب و محاسبه می‌کند و از جمع اعداد طبق نظریاتی که دارد نتیجه می‌گیرد. این کتاب در ایران، پاکستان و هندوستان در نزد خواص موجود است و گروهی از آن استفاده می‌نمایند». [۹]

## گنج نهان

«تقدیم به ساحت قدسی نفس پدر بزرگوارم»

چون موج به دریای کمال تو تپیدیم

تا ساحل مقصود \* ز فیض تو رسیدیم

شب را به خیال تو سحر کرد دل تنگ

از شمس رخت دولت دیدار ندیدیم!

با یاد نگاه تو و شیرین سخنان  
بر دفتر صد خاطره چون اشک چکیدیم  
در زیر چراغ گل و پیراهن مهتاب  
تا وقت سحر بر تن دل جامه دریدیم  
از چین و شکن های شب زلف درازت  
کوتاه شد ار دست ولی دل نبریدیم  
ای گنج نهران! حافظیان! نفس خدا گوی  
آیات کرامات تو از دوست شنیدیم  
تو جلوه‌ی توحید \* شدی در گذر عمر  
ما جرعه‌ی تهلیل ز لعل تو چشیدیم  
در مکتب اسرار \* تو با شوق نشستیم  
لا حول کنان پای به پای تو دویدیم  
تا کعبه‌ی مقصود \* تو شد جلوه‌گه یار \*  
لبیک زنان از گل عرفان تو چیدیم  
از چشمه‌ی اسرار \* تو و مطلع انوار \*  
سرمست شدیم از دو جهان پای کشیدیم  
در میکده‌ی نفحه‌ی سبحانی ات عمری!  
خلوت چو گزیدیم، ز اندوه رهیدیم  
تو نام شب و کهنه کلید در عشقی  
بگشای در لطف که ما غرق امیدیم  
ای خاطر بشکفته‌ی میقات خراسان  
در خطه کشمیر قدم‌های تو دیدیم  
گشتیم همه شهره‌ی آفاق در این شهر  
ای یوسف خوشنام! که ناز تو خریدیم  
یک جرعه ز خمخانه‌ی عشقت به تبرک  
بردیم و ز «قدسی» نفست جان طلبیدیم  
چون لوحه‌ی محفوظ تو، «فیروزه» خاتم!  
بر لوح فلک هیچ ندیدیم! ندیدیم!

«سیده فیروزه حافظیان»

تهران، ۱۳۸۸/۱۰/۱۶

.....

\* این هفت ترکیب برگرفته از اسماء مبارک «لوح محفوظ» است.

#### پانوشت:

[۱] فرهنگ خراسان، بخش طوس، جلد ۳، ص ۶۰.

[۲] اهل فارس - شیراز

[۳] علامه حافظیان (ره).

[۴] میر سید علی همدانی معروف به شاه همدان و امیر کبیر از عرفای بزرگ ایرانی که در هند به خصوص کشمیر مریدان بسیاری دارد. وی عمرش را صرف تعلیم و ترویج فرهنگ و تعالیم اسلامی کرد. او تلاش گسترده‌ای در تبیین و تبلیغ علمی و عملی و ترویج دین مبین اسلام در هند به‌ویژه کشمیر نمود. در شجره‌نامه خانوادگی او که در دست نوادگان او، خاندان شریفی در ایران محفوظ است، چنین نوشته شده است: جناب سلطان اولیا الامیر جلیل نبیل میر سید علی همدانی ملقب به علی ثانی ...، که در آخر نسب آنان به حضرت امام حسین (ع) می‌رسد. اجداد میر سید علی همدانی از شیراز «فارس» می‌باشند ولی او در همدان متولد شده است و به همین علت به همدانی معروف شده است. گرایش مردم هند به اندیشه‌های ایرانی و اسلامی او گویای نفوذ و بزرگی روح این عارف ایرانی در آن سرزمین است.

[۵] پیشین صص ۶۰-۶۱.

[۶] فرهنگ خراسان، بخش طوس، جلد ۳، ص ۶۲.

[۷] تاریخ نگارنده «علامه عطاردی» ۱۳۷۹ شمسی.

[۸] پیشین ص ۷۰.

[۹] پیشین ص ۷۲.